

## روش (شناسی) تحول فرهنگی از دیدگاه امام خمینی (ره)

تاریخ دریافت مقاله: ۸۸/۱۲/۲۸

تاریخ تأیید مقاله: ۸۹/۵/۴

سید محمد حسن مصطفوی \*

### چکیده:

امام خمینی از دیرباز و دهه‌ها قبل از پیروزی انقلاب اسلامی برای فرهنگ و تحول فرهنگی اهمیت ویژه‌ای قائل بودند و وابستگی فرهنگی را منشأ مفاسد دیگر می‌دانستند و استقلال فرهنگی را پایه استقلال سیاسی، اجتماعی و اقتصادی تلقی می‌کردند.

محور بحث‌های این مقاله، روش‌های مقبول برای ایجاد تحول فرهنگی از دیدگاه امام می‌باشد و طبیعتاً به اهداف کلی فرهنگی ایشان نیز پرداخته شده است.

مهندسی فرهنگی در چارچوب اهداف و روش‌شناسی رهبر فقید انقلاب اسلامی که آن را طولانی‌مدت و نسلی می‌انگاشتند، از وظایف دستگاه‌های قانونگذاری، اجرایی و قضایی و دیگر نهادهای مرتبط می‌باشد و البته تمامی نهادها به نوعی با موضوع مربوط می‌باشند. اینکه آیا این روش‌ها به چه میزان به کار گرفته شده و اهداف تا چه اندازه تحقق یافته است؟ همچنین عدم تحقق آنها تا چه حدودی به روش‌ها و اهداف امام و چه مقدار به نهادهای مسئول اجرایی کردن آنها باز می‌گردد؟ موضوع مقاله مستقل دیگری است.

این مطالعه با روش کتابخانه‌ای - اسنادی به انجام رسیده و سخنرانی‌ها، بیانات در ملاقات‌ها و بیانیه‌های ایشان به مناسبت‌های مختلف که در ارتباط با فرهنگ، نهادهای فرهنگی و وسایل و ابزارهای فرهنگی ارائه گردیده مرور شده که در منابع مکتوب مانند صحیفه نور و وصیت‌نامه انعکاس یافته است. بدیهی است که استفاده از تمام سخنان مرتبط در یک مقاله نمی‌گنجد و از این جهت از هر بخشی از موضوع، موارد معدودی از نکات مربوط به عنوان شاهد برای عنوان و ابعاد مورد نظر انتخاب شده است.

مقاله ضمن نگاهی گذرا به آسیب‌شناسی فرهنگی و توصیه‌های کلی که از آثار امام راحل استخراج شده، به رویه‌ها و روش‌ها و نیز ابزارهایی رسیدن به تحول فرهنگی از دیدگاه ایشان می‌پردازد.

**واژگان کلیدی:** فرهنگ، وابستگی و استقلال فرهنگی، تحول و بازسازی فرهنگی، مشارکت فرهنگی، جاذبه فرهنگی، آگاهی، عدالت.



## ۱. فرهنگ، مفهوم و ابعاد آن

فرهنگ<sup>۱</sup> ریشه‌ای پهلوی دارد و معرب آن را «فرهنج» گفته‌اند و در لغت به معانی علم، دانش، ادب، معرفت، تعلیم و تربیت و آثار علمی و ادبی یک قوم یا ملت و نیز به معنای کتابی است که شامل لغات یک زبان و شرح آنها (لغت‌نامه) باشد. (عزتی، ۱۳۷۶).

فرهنگ، یکی از واژه‌هایی است که پیچیدگی بسیاری به همراه دارد. فرهنگ در قرون گذشته به معنای کشت و پرورش خاک به‌کار رفته که در قرن شانزدهم این معنای تحت‌اللفظی جای خود را به پرورش ذهن و عقل داده است. این کاربرد استعاری امروزه بسیار رایج است و ما فرد متبحر در هنرها و ادبیات را فردی «با فرهنگ» یا «فرهنگ‌دار» می‌خوانیم، اگرچه از اوایل قرن نوزدهم، واژه فرهنگ جای خود را به مفهومی جامع‌تر داده که براساس آن فرهنگ نه فقط کوشش عقلانی بلکه کل شیوه زندگی یک ملت را در بر گرفته است. کاربرد دقیق فرهنگ امروزه شامل معنای زیر است:

در یک مفهوم، فرهنگ، مجموعه نگرش‌ها، اعتقادات، آداب و رسوم، عرف‌ها، ارزش‌ها و اعمالی را توصیف می‌کند که در هر گروهی مشترک یا مطرح است. گروه را می‌توانیم برحسب سیاست، جغرافیا، مذهب، قومیت یا برخی ویژگی‌های دیگر تعریف کرده، مانند فرهنگ آسیایی، فرهنگ جوانان و فرهنگ مشارکتی و ویژگی‌های تعریف‌کننده گروه را می‌توان به صورت نشانه‌ها، نمادها، متون، زبان، مصنوعات، سنت شفاهی و کتبی و دیگر وسایل اثبات کرد (مصطفوی، ۱۳۸۷).

یکی از جلوه‌های فرهنگ گروه، ایجاد یا حداقل مشارکت در ایجاد هویت متمایز گروه و بنابراین تأمین ابزاری که اعضای گروه بتوانند به‌وسیله آن، خود را از اعضای دیگر گروه‌ها متمایز کنند (تراسبی، ۱۳۸۵) که این جلوه فرهنگ با موضوع این مقاله قابل انطباق است.

امروزه بررسی مسائل جهان جدید از جمله جهانی شدن، نیازمند مطالعه نقیض فرهنگ و چگونگی تحول و تطور آن است و در نظریه‌های جدید مناصراً، توجه تازه‌ای به فرهنگ و نیز اهمیت جوهری آن در مسائل جهانی و نیز توجه به فرهنگ به‌مثابه یک متغیر مستقل مورد

گاهی نسل ما با سؤالاتی از سوی نسل برآمده پس از انقلاب - بدون عناد و یا حتی پیش داوری خاص - مواجه می‌شود، مبنی بر اینکه مردم ایران چه خصایصی در امام دیده بودند که اکثراً اینگونه در فرمانبرداری از ایشان فداکاری می‌کردند!

این سؤال بیانگر این است که نهادهای اطلاع‌رسانی و فرهنگی تبلیغاتی کشور با این همه امکانات، تجهیزات و پرسنل<sup>۲</sup> نتوانسته‌اند به‌درستی به وظیفه خود عمل کنند و تکرار یک‌سری برنامه‌ها را به‌ویژه در دهه فجر و نیمه خرداد هر سال کافی می‌دانند که چگونگی حمایت‌ها، راهپیمایی‌های میلیونی، رشادت‌ها در جنگ و تظاهرات و شجاعت‌ها در مقابله با رژیم گذشته و در نهایت وداع چندمیلیونی مردم را (پس از رحلت) به نمایش می‌گذارند؛ اما به چرایی آن و ظرایف پیچیده آن کمتر می‌پردازند.

در این مقاله با عنوان «روش (شناسی) تحول فرهنگی از دیدگاه امام خمینی (ره)»، سعی شده به نکاتی (هرچند معدود) پرداخته شود که ممکن است در جامعه کمتر مطرح شود.

مقاله در ۶ فصل ارائه می‌شود: پس از مقدمه در فصل اول فرهنگ، مفهوم و ابعاد آن، در فصل دوم دیدگاه‌های امام درباره فرهنگ و موارد مرتبط با آن، در فصل سوم و چهارم به ترتیب مشخصه‌های حوزه (تحول) فرهنگی و روش‌های تحول فرهنگی از نظر امام ارائه شده و فصل پنجم و ششم نیز به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها اختصاص یافته است.

در فصل چهارم با عنوان روش‌های تحول فرهنگی از نظر امام، ده روش شامل موارد زیر ملاحظه می‌شود: روش تدریجی و بلندمدت در بازسازی فرهنگی، ایجاد وحدت و یگانگی در حوزه‌های فرهنگی به‌ویژه میان حوزه و دانشگاه، برقراری و اعمال نظام قانونی، ویژگی دانشگاه در خدمت تحول فرهنگی، مشارکت دادن مردم در امور فرهنگی و آموزشی، پرهیز از دولتی شدن و شخص محوری در عرصه‌های فرهنگی، استفاده از جاذبه به جای دافعه، ایجاد امکان جهت بیان افکار مختلف (و مخالف) و انتقادی و دادن حق دفاع، مقابله با تنگ نظری‌ها و ایجاد روحیه امید.

۱. کافی است تعداد پرسنل داخلی و نمایندگی‌های خارجی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران با تعداد پرسنل برخی شبکه‌های موفق تلویزیونی در جهان مقایسه شود.  
۲. نکته‌ای که امام راحل، خود را نمی‌پسندیدند و از آن منع می‌کردند، چنانکه در مقاله نمونه‌هایی در توصیه به ستولان صدا و سیما و مطبوعات آورده شده است.



توجه قرار گرفته است (سینایی و همکار، ۱۳۸۳).

البته اثرات ابزارهای فرهنگی در ایجاد تحولات سیاسی، اجتماعی سابقه دیرینه‌ای دارد، به طوری که چارلز کورزمن در مورد انقلاب مشروطیت می‌نویسد که به‌رغم ممنوعیت‌ها، مطبوعات و نشریات ایرانیان در خارج از کشور به چاپ می‌رسید و وارد کشور می‌شد و همین‌طور رسانه‌ها پیام آیت‌الله خمینی را از تبعیدگاه به ایرانیان می‌رساندند که این ابزارهای فرهنگی، دو انقلاب را در ایران به پیش بردند (کورزمن، ۱۳۸۶).

تا جایی که هانتینگتون نظریه‌پرداز بر خورد تمدن‌ها معتقد به احیای فرهنگ غیرغربی در سطح نظام بین‌الملل می‌باشد و بیان می‌دارد: ارزش‌های غربی به طرق گوناگون در کشورهایمانند ایران، مالزی، اندونزی، سنگاپور، چین و ژاپن از سوی مردم مورد انکار قرار می‌گیرد و هم‌اکنون فرآیند بومی‌سازی، جلوه‌ای جهانی پیدا کرده و در بسیاری از نقاط جهان با مؤلفه‌های مذهبی نمایان گردیده است (هانتینگتون، ۱۳۷۹).

مطالعات بسیاری در این زمینه وجود دارد که بر نقش امام در این تحولات تأکید نموده‌اند که البته موضوع مقاله نمی‌باشند.

## ۲. دیدگاه‌های امام درباره فرهنگ و موارد مرتبط با آن

### ۲-۱. تعریف فرهنگ

حضرت امام با توجه به جایگاه خود تعریف مشخصی از فرهنگ ارائه نداده‌اند؛ ولی براساس اعتقادات دینی، از دو نوع فرهنگ در مقابل هم بسیار یاد کرده و تعبیر مختلفی را برای مشخص کردن آن فرهنگ‌ها به کار گرفته‌اند: فرهنگ اسلامی، انسانی، فرهنگ انسانی، اسلامی، فرهنگ استقلالی، فرهنگ آموزنده، اسلامی، ملی، فرهنگ غنی و مستقل اسلامی - ایرانی، غنی و مستقل اسلامی، فرهنگ مترقی اسلام، فرهنگ قرآن و اسلام، فرهنگ الهی، فرهنگ الهی اسلامی، فرهنگ ایمانی، فرهنگ مسلمین، فرهنگ حق، فرهنگ مستقل و خودکفا، فرهنگ اصیل، فرهنگ صحیح، فرهنگ غنی انسان‌ساز، فرهنگ متحول، فرهنگ تازه، فرهنگ مترقی، فرهنگ غنی ایران اسلامی، فرهنگ ملی و

شرقی، و در مقابل از فرهنگ‌های پوسیده غربی و شرقی، فرهنگ اروپا و آمریکا، فرهنگ بدآموز غربی، فرهنگ دنیای دون امروز، فرهنگ فاسد و اجنبی استعماری و استبدادی، فرهنگ استعمار نو، فرهنگ دستوری، فرهنگ وابسته منحط، فرهنگ فلج، فرهنگ ناصالح، فرهنگ مصرفی، فرهنگ عقب‌نگهداشته شده، فرهنگ منحط عصر شاهنشاهی، فرهنگ جوامع زیرسلطه و فرهنگ زمان طاغوت نام برده‌اند (با استفاده از عزتی، ۱۳۸۶).

### ۲-۲. اهمیت و خصوصیات فرهنگ

فرهنگ از نظر امام اهمیت والایی دارد و ایشان ریشه‌های انحرافات فرهنگی را تاریخی می‌دانستند که برای هر نوع اصلاحی نیز می‌باید از طریق فرهنگ اقدام کرد و در این باره فراوان به موضوع پرداخته‌اند، از جمله:

رأس همه اصلاحات اصلاح فرهنگ است (۱۳۵۸/۸/۴).

فرهنگ اساس ملت است، اساس ملیت یک ملت است، اساس استقلال یک ملت است (۱۳۵۸/۱/۲۹).

فرهنگ مبدأ همه خوشبختی‌ها و بدبختی‌های یک ملت است (۱۳۵۶/۱۰/۱۹).

راه اصلاح یک مملکت، فرهنگ آن مملکت است، اصلاح باید از فرهنگ شروع شود (۱۳۴۳/۶/۱۸).

بزرگترین تحول در فرهنگ باید بشود، برنامه‌های فرهنگی، تحول لازم دارد (۱۳۵۸/۳/۳).

همین‌که به فکر افتادید ما فرهنگ غیر را کنار بگذاریم و به فرهنگ خودمان بپردازیم، این خودش یک تحولی است (۱۳۵۸/۶/۲۷).

و ایشان خود در عمل به این نظرات پایبندی داشتند، به طوری که در پیشبرد انقلاب شکوهمند اسلامی، هیچگاه به کاربری خشونت، اسلحه و ترور رضایت نداشتند و مجوزی برای آن صادر نکردند و حتی مصادره اموال دولتی را جایز نمی‌شمردند.

تا آنجا که برخی نویسندگان غربی، انقلاب را انقلاب کاست و کاغذ A4 نام نهاده‌اند که پیام‌های رهبری انقلاب از طریق نوارهای صوتی و اعلامیه‌های فتوکپی شده به دست میلیون‌ها

۱. منابع زیادی در مقاله به صورت تاریخ ذکر شده که تاریخ ابراد بیانات و سخنرانی‌ها و یا صدور بیانیه است که اصل کامل آنها در صحیفه نور و منابع ذکر شده مربوط در پایان مقاله مندرج است.  
۲. کافی بود اجازه‌ای از این دست صادر می‌شد که دولت مالک اموال دولتی نمی‌باشد. یا اموال دولت‌های اجنبی مباح است، در آن صورت چه اغتشاش مالی و بی‌نظمی اقتصادی و فرصت طلبی‌هایی که به نام مبارزه و از این قبیل واقع نمی‌شد و چه بدنامی‌ها که مبارزان مسلمان دچار آن نمی‌شدند!



خودشان را به کلی فراموش کرده‌اند، دفن کرده‌اند و به جای آن دیگران را نشانده‌اند (۱۳۵۸/۶/۱۷).

برای بدست آوردن استقلال فکری، خود و مفاخر و مآثر ملی و فرهنگی خود را دریابید. بزرگترین فاجعه برای ملت، وابستگی فکری است (۱۳۵۸/۶/۳۱).

۳. مشخصه‌های حوزه (تحول) فرهنگی و عاملان آن از نظر امام امام در عموم زمینه‌ها به‌ویژه در حوزه سیاسی و شرایط زمامدار و مجری قانون الهی بر دو عنصر آگاهی (علم به قانون) و عدالت<sup>۱</sup> بیشترین تأکید را دارند، در حوزه های فرهنگی نیز بر آگاهی بخشی و عدالت‌ورزی در چارچوب قانون‌گرایی تأکید می‌نماید.

سزاوار است که انسان در تمام مراحل عمر مشغول تحصیل علم باشد، یعنی همه محتاجیم به اینکه از یکدیگر چیز یاد بگیریم، همه محتاج به تعلیم و تربیت علمی هستیم، هیچ وقت نیست که انسان از آن مستغنی بشود (صحیفه نور، جلد ۱۷).

عهده‌دار شدن حکومت فی حد ذاته، شأن و مقامی نیست؛ بلکه وسیله انجام وظیفه اجرای احکام (قانون الهی) و برقراری نظام عادلانه اسلام است (ولایت فقیه، ۱۳۸۳).

و در حوزه فرهنگی: این دستگاه (صدا و سیما) یک دستگاه عدالتی و آموزشی (باید باشد) (۱۳۵۹/۴/۷).

در مطبوعات (هم) اینطور است.... این دستگاه‌ها، دستگاه‌های تربیتی است.... یک دانشگاه عمومی است (۱۳۵۷/۱۲/۲۹).

.... (در مطبوعات هم) عدل و حق را ملاحظه کنید (۵۹/۱۲/۱۲).

عاملان نهادهای فرهنگی از نظر امام می‌باید خود اهل تزکیه، معنویت و تعهد باشند و این نهادها با ویژگی‌های فوق، خدمتگذاران به مردم و امین بیت‌المال تربیت می‌کنند (ر.ک. ۱۳۵۸/۳/۲۱).

همچنین عاملان تحول فرهنگی از نظر ایشان، کسانی هستند که ابتدا خود اصلاح شده و به همه شیوه‌ها و اصول تربیتی و فرهنگی احاطه داشته باشند؛ کسانی که زیر بار سرمایه‌داران، پول پرستان، خوانین و انحصارطلبان نمی‌روند و همواره شرافت و (به‌ویژه عاملان روحانی) ساده‌زیستی خود را حفظ می‌کنند (ر.ک. ولایت فقیه و ۱۳۶۷/۴/۲۹).

ایرانی می‌رسید که فرهنگ استقلال و معنویت و دوری از فرهنگ‌های بیگانه به‌ویژه غربی را تبیین می‌نمود و از این نظر می‌توان این انقلاب را انقلاب فرهنگی نامید.

و امام، خود انقلاب اسلامی را قبل از یک انقلاب سیاسی-اجتماعی، یک انقلاب معنوی-روحانی می‌دانستند.

۲-۳. آسیب شناسی فرهنگی و توصیه‌های کلی:

امام آسیب‌های فرهنگی را منبعث از فرهنگ استعماری و نواستعماری غربی و شرقی<sup>۱</sup> می‌دانستند که برای عقب نگه‌داشتن جوامع زیرسلطه (و ایران) و وابستگی هرچه بیشتر، تحمیل می‌کردند و این فرهنگ از طریق حکومت‌های شاهنشاهی (طاغوتی) اشاعه می‌یافت.

از سوی دیگر، برای مقابله با این فرهنگ، ایشان بر فرهنگ غنی، اصیل و شرقی و مستقل الهی، اسلامی و ایرانی تکیه می‌کردند که می‌تواند به تحول فرهنگی و انسان‌ساز دامن بزند و خودکفایی و استقلال فرهنگی را که پایه استقلال سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است به ارمغان آورد.

۲-۴. وابستگی و استقلال فرهنگی

امام وابستگی فرهنگی و فکری را منشأ وابستگی‌های دیگر می‌دانند که قبل از هر چیز می‌باید این وابستگی از بین برود و فرهنگ مستقل بومی و به مفاخر و مآثر ملی خودی تکیه شود:

ما باید اول تمام همتمان را صرف کنیم که خودمان را از این وابستگی فکری بیرون بیاوریم، ما فکرهایمان وابسته، فرهنگمان وابسته است و باید سعی کنیم خودمان را از این فرهنگ خارج کنیم (۱۳۵۸/۶/۲۳).

اگر وابستگی فرهنگی داشته باشیم، دنبالش وابستگی اقتصادی، وابستگی اجتماعی و وابستگی سیاسی هم هست. (۱۳۵۸/۸/۴).

این فرهنگ باید متحول شود. فرهنگ استعماری فرهنگ استقلال‌ی بشود.... یک فرهنگ انسانی (۱۳۵۷/۱۲/۲۹).

اگر از وابستگی فرهنگی و فکری برون بیاییم، همه وابستگی‌ها تمام می‌شود (۱۳۵۸/۶/۲۸).

ملت‌های شرقی.... الفاظ خودشان را، لغت خودشان را، مفاخر

۱. منظور شرق سیاسی و ایدئولوژیک و بلوک کمونیسم است.

۲. ر.ک. به: شنون و اختیارات، ولایت فقیه، ۱۳۶۵.

#### ۴. روش‌های تحول فرهنگی

۴-۱. روش تدریجی و بلندمدت در بازسازی فرهنگی

حضرت امام به هر مناسبتی که بحث تحول و بازسازی فرهنگی مطرح می‌شد، مخاطبان را به پشتکار، صبر و بردباری دعوت می‌کردند، چرا که فرهنگ‌سازی را یک امر تدریجی و طولانی‌مدت می‌دانستند.<sup>۱</sup>

البته انقلابی به این بزرگی نمی‌شود که یک دفعه متحول شود به یک جو سالم. باید به تدریج این جو سالم پیش بیاید... یک قدری صبر لازم است، امیدوارم انشاء... به تدریج این امور همه درست بشود (۱۳۵۹/۳/۲۵).

فرهنگ باید بازسازی بشود... لکن آنها برنامه‌ها بلندمدت است که باید در طولانی‌مدت انجام گیرد (۱۳۵۸/۸/۱۸).

فرهنگ سال‌های طولانی لازم دارد تا عوض شود... طول یک نسل می‌خواهد تا تغییر کند (۱۳۵۸/۱۰/۱۵).

و در مورد تغییر فرهنگ غربی و نیز برخورد با منحرفان نیز رویه فرهنگی طولانی‌مدت را مؤثر می‌دانستند:

ما تا بخواهیم به این کارکنان و کارمندان بفهمانیم که ما نباید همه چیزمان تقلید از غرب باشد، این طولانی است... ما تا بخواهیم این فرم را تغییر بدهیم... و در افکارمان و در آراءمان مستقل باشیم، این طولانی است (۱۳۵۸/۷/۲۹).

اشخاص هم که خدای نخواستہ انحراف دارند، موعظه کنید و انشاء... برگردند و اگر یک وقت هم افرادی باشند که دیگر قابل موعظه و قابل برگشت نیستند به تدریج اینها کنار گذاشته شوند.

افرادی که می‌خواهند به این جمهوری صدمه بزنند، اگر یکدفعه نمی‌توانید آنها را ارشاد کنید، به تدریج این کار را بکنید، اگر تدریجی شد، کار درست می‌شود و شما هیچکس را دشمن خودتان حساب نکنید... سلیقه‌ها مختلف است (۱۳۶۰/۳/۱۲).

در این ارتباط مروری بر انقلاب فرهنگی چین عبرت‌آموز خواهد بود. در آن انقلاب «مائو» اراده کرده بود تا با تهییج توده‌ها و دانشجویان مظاهر فرهنگی بورژوازی هرچه سریعتر ریشه‌کن و در این ارتباط روشنفکران، استادان دگراندیش دانشگاه‌ها و هر تحصیل کرده‌ای که وفاداری کامل خود را به «صدر مائو» ابراز

نکرده بود، به‌طور حقارت باری در خیابان‌ها گردانده می‌شدند و مورد ضرب و شتم خیل طرفداران مائو قرار می‌گرفتند و به متخصصان و دانشگاهیان آن کشور اهانت‌ها روا داشته می‌شد و تا مدتی آموزش دانشگاهی در چین تحت‌الشعاع قرار گرفت و آن کشور در آن دوران به سراشیبی سقوط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی افتاد.

امام از قبل از انقلاب به احترام عالمان و نیز درس و بحث و دانشگاه توجه داشتند:

اگر چنانچه کلمه‌ای اهانت بکند کسی به یک نفر از مراجع اسلام، بین او و خدای تبارک و تعالی ولایت منقطع می‌شود (۱۳۴۳/۲/۲۵).

این زمزمه بسیار ناراحت‌کننده که به‌تازگی بین بعضی جوانان شایع شده که درس خواندن چه فایده‌ای دارد، مطلبی انحرافی و مطمئناً یا از روی جهالت و بی‌خبری است و یا با سوء نیت... باید جوانان با این فکر غلط استعماری مبارزه کنند و بهترین و مؤثرترین راه مبارزه با اجنبی، مجهز شدن به سلاح علم و دین و دنیاست (۱۳۵۶/۱۱/۲۴).

در صورتی که در رویه ایشان که در ملاقات با اعضای ستاد انقلاب فرهنگی (۱۳۶۲/۷/۱۲) بیان شده است، متخصصان غیرمخالف با جمهوری اسلامی (و نه لزوماً وفاداران) می‌توانستند در دانشگاه‌ها تدریس کنند.

در مورد چین، مائو برای توسعه کمونیسم و مبارزه با فساد، انقلاب پرولتاریایی فرهنگی را برنامه‌ریزی و با صدور اعلامیه رسمی حکومتی در ۸ اگوست ۱۹۶۶ اجرای آن را آغاز کرد، که در آن شهروندان عادی تشویق می‌شدند تا فرهیختگان را - که کمونیست اصیل و وفادار نیستند- تحقیر کنند<sup>۲</sup> که بعدها اثرات بسیار منفی بر شاخص‌های رشد و رفاه کشور گذاشت که البته مایه عبرت جانشینان وی شد که برای مبارزه با فساد، اتفاقاً بر تخصص تکیه کردند و با موفقیت به پیش رفتند، در حالی که شوروی فقط معتقدان و وفاداران را رشد و ارتقا داد، اما بسیاری از همان کسانی که معتقد به حزب و ایدئولوژی آن بودند، همان کسانی‌اند که اکنون از نظر فساد مالی در دنیا ضرب‌المثل هستند

۱. این روش مشی قرآنی در تدریجی بودن نزول آیات مربوط به احکام و اعمال مرحله‌ای آنها از سوی نبی مکرم اسلام (ص) می‌باشد.

۲. برخی از این فرهیختگان را مانند مجرمان با کلاه‌های مضحک در خیابان‌ها می‌گرداندند.



توسعه‌ای کشور را ناکام گذاشت و این موضوع همواره مدنظر امام بود:

قشر روحانی را رضاشاه با بهانه‌های مختلف سرکوب کرد. دانشگاه هم یک قدرتی بود که به نظر آنها در مقابل (حوزه) ... تبلیغات دامنه‌دار را (برای مقابله با) اصل مذهب را شروع کردند و بعد هم روحانیت را از دانشگاه جدا کردند (۱۳۵۸/۴/۲۳).  
و به همین جهت، امام ضمن تأکید مکرر بر تهذیب نفس، اخلاق و معنویت، همراه دانش پیشرفت و استقلال کشور را منوط به وحدت همگانی به‌ویژه وحدت دانشگاهیان و روحانیون می‌دانستند.

### ۳-۴. برقراری و اعمال نظام قانونی

در عرصه سیاسی و حکومت‌داری، امام بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اسلامی دستور ایجاد چارچوب قانونی برای اداره کشور (قانون اساسی) را صادر کردند و حتی قبل از پیروزی انقلاب، جمعی را برای تدوین پیش‌نویس قانون اساسی تعیین کرده بودند که در موارد مشابه در کشورها سابقه ندارد و در برخی انقلاب‌ها، دستورات و فرامین رهبر تا سال‌ها بلکه دهه‌ها مطاع است، همین‌گونه که در چین «کتاب سرخ»<sup>۲</sup> و در کشور مسلمان لیبی، «کتاب سبز»<sup>۳</sup> حاکم بود.

ایشان همانگونه که در برقراری نظام قانونی در کشور تعجیل داشتند<sup>۴</sup>، در حوزه فرهنگی نیز این رویه را دنبال می‌کردند. در ابتدای انقلاب برخی به دنبال تعطیلی نهادهای فرهنگی و از جمله وزارت ارشاد بودند<sup>۵</sup> که این رویکرد مورد تأیید رهبر انقلاب نبود که بلافاصله موضوع منتفی شد. در مورد دانشگاه‌ها نیز گروه‌هایی بودند که پس از انقلاب فرهنگی و تعطیلی دانشگاه‌ها قائل به بازگشایی نبودند تا منابع اسلامی بویژه در علوم انسانی

و در بسیاری موارد روسیه فعلی، ضرب‌المثلی از فساد است، در حالی که چین این‌گونه نیست.

فساد در نهایت یک پدیده فرهنگی است و چه بسا فسادهای بزرگ در کسانی است که فقیر نیستند و ثروت کلان دارند. فساد در ابعاد فردی معمولاً با فرهنگ و شخصیت‌ها مرتبط است. مهمترین عامل تقویت شخصیت و به‌ویژه مدیران، تکیه بر تخصص ایشان است. اگر مدیری بر موازین تخصصی و لیاقت‌گزینش شد و مسئولیتش متناسب تخصص او بود و ارتقا پیدا کرد و تصمیمات تخصصی او ملاک کار قرار گرفت، آنگاه می‌توان گفت که او احتمال فسادش حداقل است، اما مدیری که متخصص نیست، مضطرب است و در حوزه مدیریتی خود، توان علمی، تجربه و آگاهی لازم را ندارد و از موضع ضعف با مسائل و زیردستان خود برخورد می‌کند، این مدیر آمادگی برای فساد را دارد. هرچه میزان تخصص بالاتر باشد، احتمال فساد کمتر خواهد شد (با استفاده از مقدمه‌ای بر آسیب‌شناسی فساد مالی در ایران، ۱۳۸۴).

۲-۴. ایجاد وحدت و یگانگی در حوزه‌های فرهنگی به‌ویژه میان حوزه و دانشگاه یکی از دلایلی که بر موفقیت دانشگاه‌های نوپا در قرون گذشته در کشورهای صنعتی و به‌ویژه غربی بر شمرده می‌شود این است که دانشگاه‌ها در آن دیار از نهادهای دینی و کلیساها سربرآوردند و تا دهه‌ها بلکه قرن‌ها زیرمجموعه کلیسا بودند<sup>۱</sup> و در مقابله با آن شکل نگرفتند، اما در کشور ما در دوران پهلوی اول دانشگاه در مقابل حوزه‌های علمیه شکل گرفت و به موازات تقویت و حمایت از دانشگاه، تضعیف حوزه‌ها در دستور کار قرار گرفت، امری که باعث شد دانشگاه‌ها (قبل از انقلاب اسلامی) تا سال‌ها آن‌طور که باید و شاید در میان عموم متدینین با استقبال مواجه نشود و این تقابل، تلاش‌های

۱. برای نمونه دانشگاه آکسفورد قدیمی‌ترین دانشگاه انگلیسی زبان که در اواخر قرن یازدهم میلادی شکل گرفته، شعار، خداوند راهنمای من است. (Dominus Illuminatio Mea) را برای خود برگزیده و بنیانگذار کالج در آکسفورد اسقف روجستر بود و نخستین دروس دانشگاه الهیات، الهیات انجیلی و دروس اخلاق بود و برجسته‌ترین محققان کتاب مقدس به آن دانشگاه تعلق داشتند و بعدها نیز اسقف اعظم کاتربری در قرن ۱۷ اساسنامه و قوانین دانشگاه را وضع کرد و بخش انتشارات دانشگاه را رونق داد و کتابخانه آنجا را نیز راه‌اندازی کرد. انتشارات این دانشگاه هنوز یک مؤسسه خیریه است که با چاپ بیش از ۴۵۰۰ عنوان کتاب جدید در سال، بزرگترین انتشارات دانشگاهی جهان است که مجبور است سالانه ۴۰۰۰ نیروی کار جدید استخدام کند. همچنین کتابخانه تحقیقاتی مرکزی آکسفورد (بادلین) با بیش از ۸ میلیون جلد کتاب دارای ۱۸۸ کیلومتر قفسه کتاب است و هر سال ۵ کیلومتر به طول قفسه‌های آن افزوده می‌شود! امروزه بیش از ۱۰۰ استاد در مدرسه الهیات و مطالعات دینی و مطالعات دینی آکسفورد در موضوعات دینی، تربیت بیش از ۵۰۰ دانشجو در مقاطع مختلف اشتغال دارند. این دپارتمان از شهرت بین‌المللی برخوردار است و بارها به عنوان برترین دپارتمان آموزشی بریتانیا انتخاب شده است. (Wikipedia.org/wiki/42 & www.iscs.ir)

۲. «کتاب سرخ کوچک مانو» حاوی جملات و عقاید مانوتسه تونگ رهبر انقلاب چین بود که به این کتاب به عنوان قانون رسمی چین نگاه می‌شد.

۳. کتاب سبز نوشته معمر قذافی رهبر لیبی، به جای قانون اساسی لیبی به کار می‌رفت.

۴. از نمونه‌های سیاسی این رفتار، دستور اکید بر تسریع در آزادی گروه‌های آمریکایی به دولت بود (رک مصاحبه، با مشاور نخست وزیر وقت، یادنامه شرق).

۵. که چند روزی نیز برخی واحدهای وزارت ارشاد را تعطیل و کارمندان را مرخص نمودند.



برای تدریس تدوین شود<sup>۱</sup> و امام مصرائه بازگشایی هرچه سریعتر دانشگاه‌ها را پیگیری نمودند تا در کوتاه‌ترین زمان این امر تحقق یابد و امور به تدریج اصلاح شود.

چنانکه در پیام نوروزی سال ۱۳۶۰<sup>۲</sup> که در پایان سال انقلاب فرهنگی صادر شد، از شورای انقلاب فرهنگی خواسته بودند که برای بازگشایی دانشگاه‌ها در سال جدید حد اعلای کوشش خود را به کار برند، تا آنجا که بیان می‌دارند:

می‌بینم که گاهی وقت‌ها در روزنامه‌ها می‌گویند که دانشگاه تا اصلاح نشود، نباید باز بشود. گاهی هم این حرف را گردن من می‌گذارند. من از آنها گله دارم من که می‌گویم دانشگاه چون اصلاحش طولانی است، باید باز بشود، نه اینکه صبر کنند... بنابراین دانشگاه‌ها را با جدیت باز کنند (بیانات در جمع ستاد انقلاب فرهنگی، ۱۳۶۰/۳/۲۳).

و دو روز بعد نیز اظهار می‌دارند:

البته باید آقایان دانشجویان و علما دانشمندان دست به دست هم بدهند و هرچه زودتر دانشگاه به طریقه اسلامی، به طریقه ملی، دانشگاهی که برای ملت اسلامی باشد، زودتر باز بشود (۱۳۶۰/۳/۲۵).

و چندی بعد دانشمندان را دعوت به کمک می‌کنند: شورای فرهنگی کوشش کند که با کمک ... دانشمندان، دانشگاه‌ها باز و به کار خود ادامه دهند و بر عالمان دانشمند است که دعوت شورا را در این امر حیاتی لبیک گویند (۱۳۶۰/۹/۴).

و تعبیر امام از تحول انقلاب فرهنگی و حاکمیت فرهنگ صحیح این است که جوان‌هایی که در این فرهنگ تربیت می‌شوند، همان‌هایی هستند که علاوه بر تحصیل، خدمتگذار به مردم و امین بیت‌المال هستند (ر.ک ۱۳۵۸/۳/۲۱). اصول آگاهی علمی، خدمتگذاری و امانت‌داری که برای هر مدیری لازم می‌دانستند. همچنین اظهار امیدواری می‌کردند که ملت‌های اسلامی با یک تحرک فرهنگی گسترده بتوانند مسلمانان را از فقر تنگنای علمی در آورند (ر.ک ۶۷/۶/۲۸).

چنانچه حتی درباره توطئه‌گران، ایشان مقابله شخصی که موجب هرج و مرج می‌شود را جایز ندانسته و به اقدام مراجع

قانونی قائل بودند:

مردم به هیچ وجه حق ندارند به کتاب فروشی‌ها تعرض نمایند. در صورتی که دادستان شهرستان‌ها نشریات را مضر انقلاب و مصلحت تشخیص دادند، موظف به جلوگیری هستند. اشخاص غیرمسئول در این امر جداً خودداری کنند، والا مؤاخذه می‌شوند (پیام در ارتباط با مسئله کردستان، ۱۳۵۸/۶/۱۶).

اکثراً این ملت ملی هستند و به اسلام اعتقاد دارند، پشت کنند به اینها (توطئه‌گران)، کتابهایشان را نخوانند... من نمی‌گویم آتش بزن، نه! آتش سوزی غلط است... پشت کنید به اینها، کتابهایشان را نخرید، فقط مشتری نباشید، نریزید، آتش نریزید و پاره نکنید! اگر نخرید (همان کافی است) (۱۳۵۸/۶/۱۷). باید از تشنج جلوگیری کرد و باید آن اشخاص منحرف را ارشاد کرد، اگر ارشاد نشوند، آنها را منزوی کرد، بی‌اعتنایی کرد به آنها (پیام به مناسبت نیمه شعبان، ۱۳۵۹/۴/۷).

همچنین اگر توطئه‌ای را برای کشور خطرناک می‌دانستند، توصیه‌شان این بود:

افراد در صورت احساس چنان وضعیتی، خود اقدام به مقابله و ایجاد هرج و مرج نکنند و به نهادهای مربوط اطلاع داده و در رفع آن با مراجع مرتبط همکاری لازم را بنمایند (در پاسخ به پیشنهاد ریاست جمهوری مبنی بر ترمیم ستاد انقلاب فرهنگی، ۱۳۶۲/۶/۸).

۴-۴. ویژگی دانشگاه در خدمت تحول فرهنگی

امام هر جا بحثی درباره دانش مطرح کرده‌اند، همراه با تعهد، تزکیه و معنویت و منفعت (علم نافع) بوده است و اینکه دانشگاه در خدمت کشور و ملت و رافع احتیاجات مردم باشد. نکته مهم دیگری که در بیانات ایشان به چشم می‌خورد، توجه به نظریه پردازی است که در پیام تاریخی ایشان منعکس شده است:

فرهنگ دانشگاه و مراکز غیرحوزه‌ای به صورتی است که با تجربه و لمس واقعیت‌ها بیشتر عادت کرده است تا فرهنگ نظری و فلسفی (پیام قبول قطعنامه ۵۹۸ مورخ ۱۳۶۷/۴/۲۹).

و اینکه کشور ما قطب علمی کشورهای مسلمان بشود از اهداف ایشان بود: دانشگاه‌ها به جای تربیت (کادر) اداری (در

۱. ضمن اینکه امروزه حدود یک ربع قرن از آن دوره می‌گذرد و آن مدعیان هنوز نتوانسته‌اند یک جلد کتاب مستقل علوم انسانی در سطح تدریس در دانشگاه‌ها تدوین و یا نظریه کلانی در مورد جامعه ایران ارائه نمایند که مورد استفاده و استناد مراکز علمی و پژوهشی قرار گیرد (با استفاده از حقی، ۱۳۸۴).

۲. که در تاریخ ۵۹/۱۲/۲۹ صادر شد.

فرهنگ. بیانات زیر گویای این گرایش است و نیاز به توضیح بیشتری ندارد: من مدت‌هاست رادیو تلویزیون را هر وقتی باز می‌کنم از من اسم می‌برد، خوشم نمی‌آید! ما باید به مردم ارزش بدهیم، استقلال بدهیم و خودمان کنار بایستیم و روی خیر و شر کارها نظارت کنیم و اینکه تمام کارها دستمان باشد، رادیو و تلویزیون دست ماها باشد و آن بیچارها که کار می‌کنند هیچ‌چیز دستشان نباشد... به نظر من صحیح نیست. من گفتم که آن چیزهایی که مربوط به من است گفته نشود... البته در موارد لازم مضایقه ندارم، مثلاً عید فطر، عید قربان و تنفیذ رئیس جمهور، اما مابقی... در تلویزیون گفتن ندارد... رادیو چند دفعه! تلویزیون چند دفعه! این کارها مردم را خسته می‌کند... هیچ محتوایم ندارد... مثلاً اول خبر که می‌خواهد شروع کند، عکس مرا می‌گذارند، آن را بردارید و اگر کسی از شما سؤال کرد بگویید فلانی گفته است (بیانات با مسئولان صدا و سیما، ۱۳۶۴/۵/۲۷).

و علاوه بر مسئولان صدا و سیما، مدیران مطبوعات را نیز در چند نوبت از نشر این دست مطالب نهی می‌نمودند: من میل ندارم رادیو هر وقت باز می‌شود، اسم من باشد، مدت‌هاست از این جهت متنفرم، این کار غلطی است! به اندازه متعارف برای همه خوب است، زیادی‌اش مضر است و این به ضرر مطبوعات است و مطبوعات را سبک می‌کند. اشخاص شخصیت‌شان به خودشان است، این طور نیست که اگر اسمشان زیاد یا کم مطرح گردد، شخصیت‌شان زیاد یا کم شود... من هر روز به کی چی گفتم، این چه تکراری است... هی تکرار می‌کنند که فلانی چه گفت، این چه فایده‌ای دارد؛ اما در هر گوشه کشور اگر اتفاقی افتاده باشد، این خبر است و اخبار را برای مردم گفتن مفید است... عکس من مطلقاً در صفحه اول نباشد (بیانات با مسئولان مطبوعات، ۱۳۶۴/۶/۱۰).

و همچنین با ستایش‌های غلوآمیز درباره ایشان به شدت برخورد می‌کردند<sup>۱</sup> و همین ستایش‌ها را زمینه‌ای برای انحراف می‌دانستند. این را مقایسه کنید با ستایش‌های افراطی و خدایگانی از برخی از رهبران<sup>۲</sup>.

#### ۴-۷. استفاده از روش‌های جاذبه‌دار

ایشان دافعه به‌ویژه سرکوبی، خشونت و هتاکی را در امور

خدمت بوروکراسی) دانشمند تربیت کند و دانشگاه باید عالم تربیت کند نه اداری، عالم بر اداره مملکت تربیت کند و برای اداره فرهنگی تربیت کند (۱۳۵۸/۱۰/۱۴).

این را بدانید که اگر دانشگاه درست کار کرد و خود را به دنیا عرضه نمود و مردم دنیا فهمیدند که دانشگاه ایران برای خودش کار می‌کند (و مستقل است)، قهراً مسلمانان دیگر کشورها برای ادامه تحصیل به اینجا خواهند آمد (۱۳۶۴/۱/۲۷).

و همچنین است: انشاء... روزی بیاید که از جاهای دیگر برای تحصیل به ایران بیایند و ما هرگز احتیاجی نداشته باشیم کسی را (برای تحصیل) به خارج بفرستیم (۱۳۶۴/۴/۲۴).

۴-۵. مشارکت دادن مردم در امور فرهنگی و آموزشی در اوج حاکمیت تفکر دولت محور در اقتصاد و فرهنگ در کشور ما، امام در مقاطع گوناگون بر نقش مثبت مؤسسات غیردولتی و بازار صحنه گذاشته و مسئولان را از دولتی کردن امور بویژه آموزش و پرورش - که عده‌ای سخت به دنبال دولتی کردن صد درصد آن بودند و در برابر استقلال مراکز آموزشی غیردولتی کارشکنی می‌کردند - پرهیز می‌دادند و نقش دولت را به جای تصدی‌گری، نظارتی می‌دانستند، همان که امروزه با عنوان خصوصی‌سازی و کوچک شدن اندازه دولت بسیار مطرح است:

مردم را در امور شرکت بدهید، مردم را در فرهنگ شرکت بدهید، مدارسی که مردم می‌خواهند درست کنند بر ایشان کارشکنی نکنند، البته نظارت لازم است، لکن کارشکنی نکنید. مردم باید خودشان به طور آزاد (غیردولتی) دانشگاه داشته باشند تنها دولت نظارت کند، لکن اینطور نباشد که خیال کنید دولت می‌تواند همه کارها را انجام دهد (۱۳۶۵/۳/۱۹).

به‌ویژه در امر مبارزه با بی‌سوادی، ملت را به نوعی قیام دعوت می‌کردند که عموم مردم به دنبال اقدامات دولت نباشند و خود با ایجاد نهادهای غیردولتی به این امر اقدام نمایند (ر.ک. ۱۳۵۸/۱۰/۷).

۴-۶. پرهیز از دولتی شدن و شخص محوری در عرصه‌های فرهنگی همان‌طور که در بخش دیگری از مقاله اشاره شده، نقش دولت را بیشتر نظارتی می‌دانستند و نه تصدی تمام امور به ویژه

۱. موارد چندی در این باره قابل ذکر است، از جمله سخنان نماینده اول تهران در مجلس اول که خطیب زبردستی بود و نیز سخنان رئیس فقید مجلس خبرگان که در دو جلسه ملاقات حضوری سخنان غلوآمیز در باره امام مطرح کردن و ایشان فی‌المجلس با هر دوی آنان برخورد کردند.

۲. برای نمونه سرودی که در زمان استالین و خطاب به وی در اتحاد جماهیر شوروی (سابق) خوانده می‌شد:

ای مرد گرجی که برای ما باران می‌فرستی ای مرد گرجی که گندم هامان را می‌روپانی.....





۸-۴. ایجاد امکان جهت بیان افکار مختلف (و مخالف) و انتقاد و دادن حق دفاع

معروف است که در زمان اشاعه افکار ماتریالیستی و اقبال برخی دانشجویان و جوانان به آنها در قبل از پیروزی انقلاب، ایشان معتقد بودند که از صاحب نظران آن ایده‌ها به قم دعوت شوند و حتی آن مطالب را به صورت درسی به طلاب (و البته نه طلاب نوآموز) ارائه دهند و روحانیون اولاً با منابع اصلی ایدئولوژی‌ها آشنا شوند و ثانیاً برای پاسخگویی و دفاع از عقاید خود به تکاپو بیفتند و یک تحول معرفتی درباره موضوعات روز در حوزه اتفاق بیفتد.

چندی پس از پیروزی انقلاب به دنبال استعلام صدا و سیما در این خصوص، امام پاسخ می‌دهند: البته که مصاحبه اشکالی ندارد؛ ولو یک کمونیست بیاید حرفش را بزند و در همانجا از شخص دیگری جواب بگیرد، این مانعی ندارد (خطاب به مسئولین صدا و سیما، ۱۳۵۹/۲/۲۳).

و بر همین اساس سلسله مناظره‌های تلویزیونی با تئوری پردازان و طرفداران آن روز مکاتب در کشور<sup>۲</sup> تنظیم شد و تمامی از تلویزیون پخش گردید که اثر بسیار مثبتی در آشنایی مردم به آن عقاید و نیز ایرادات و پاسخ‌های مرتبط داشت و شاید یکی از دلایلی که آن گروه‌ها به روش‌های دیگر روی آوردند، این بود که از طریق فرهنگی تا حدودی خلع سلاح شدند.

و در مورد بیان عقیده و نظر و انتقاد در چارچوب مصلحت‌اندیشی برای کشور و منافع ملی و نه انتقام و تضعیف، آن را آزاد و باعث اصلاح می‌دانستند:

مملکت متمدن آن است که آزاد باشد مطبوعاتش، مردم در اظهار عقیده و رأی‌شان آزاد باشند (۱۳۵۷/۸/۲۸).

همه مطبوعات آزادند مگر اینکه مقالات (آنها) مضر به حال کشور باشد (مصاحبه با خبرنگار تایم، ۱۳۵۷/۱۰/۲۰).

باید مطالب نشریات رو به انتقاد سالم و مصلحت‌اندیشی و

فرهنگی روشی می‌دانستند که اتفاقاً نتیجه معکوس می‌دهد و به ضد هدف تبدیل می‌شود، چنانکه در زمان رضاخان اینگونه شد (ر.ک وصیت‌نامه، ۱۳۶۸/۳/۱۵) و به جای برخورد سخت‌افزاری، همواره به جذب حتی مخالفان می‌اندیشیدند. رویه ایشان جذب تا آخرین مرحله بود و در صورت باقی ماندن مشکل، نهایتاً صرفاً در چارچوب‌های قانونی به رفع مشکل اقدام می‌نمودند.

یکی از مهمترین فرازهای برخورد نرم‌افزاری امام، روش ارشادی و صمیمانه با اولین رئیس جمهوری کشور بود که تا آخرین لحظات ادامه یافت<sup>۱</sup> و نهایتاً با برخوردی قانونی از سوی امام، به عزل رئیس جمهوری انجامید. سخنان زیرنمونه‌ای از این موارد می‌باشد: نباید شما به عنوان اینکه حزب ... هستید، برای یک امر جزئی، افرادی که صالح هستند، ولو سابق یک خطایی ... کرده‌اند، نباید کنار بگذارید. باید هرچه بکنید جاذبه داشته باشید (۱۳۶۱/۹/۶).

از قراری که بعضی آقایان گفتند، ایراد زیاد می‌گیرند... یک دسته جوان هستند از دخترها و پسرها که اینها گاهی در سابق یک ابتلائاتی به معصیت‌هایی داشتند و بعد توبه کردند، اینها نباید محروم باشند از دانشگاه، خیر! در توبه باز است. اشخاصی که یک خلافی کرده بودند و حالا پشیمان شدند، اینها را باید با آغوشی باز بپذیریم و اینها هم راه پیدا کنند و به دانشگاه و این جوان‌ها را مایوس نکنید. این جوان‌ها ذخیره این ملت هستند (بیانات با اعضای ستاد انقلاب فرهنگی، ۱۳۶۰/۳/۲۳).

و در مورد برخی تصفیه‌های پرسنلی که شائبه جناحی بودن را احساس می‌کردند، با آن مقابله می‌نمودند<sup>۲</sup>، از جمله:

از قراری که من شنیده‌ام بعضی افرادی که متعهد بودند و مسلمان بودند و برای کشور خودشان دلسوز بودند را از آنجا (سازمان صدا و سیما) کنار گذاشتند... ببینید اگر کسانی هستند که به درد می‌خورند، اینها را وارد کنید (بیانات در دیدار با مسئولان صدا و سیما، ۱۳۵۹/۲/۳۱).

۱. در هفته‌های آخر ریاست اولین رئیس جمهوری کشور، هلی کوپتر وی سقوط کرد و او جان سالم به در برد و این در حالی بود که مناقشات سیاسی بین او و حامیان رهبر انقلاب به شدت در گرفته بود، ولی امام در بیانیه‌ای وی را مورد ملاطفت بسیار قرار دادند، ضمن اینکه غیرمستقیم اشکالات رویه مدیریتی وی را گوشزد نمودند، رفتاری که در سیره اولیا، دیده می‌شود. رویه حضرت امیرمؤمنان در تعامل با خلفا چنانکه در خطبه‌های ۱۲۴، ۱۴۶، ۲۴۰ نهج‌البلاغه به‌ویژه در مورد خلیفه دوم منعکس شده است.

۲. همچنین در حوزه سیاسی: «در انتخابات دوره اول، همشیره‌زاده امام خمینی در این شهر (خمین) کاندیدا شد، برادر بزرگتر امام هم او را تأیید کرده بودند، اما ایشان رأی نیاورد. برادر امام نامه‌ای به ایشان نوشته بود که انتخابات خیلی بد بود! امام که نامه را دیده بود، گفته بود: انتخابات از این بهتر نمی‌شود! خمین شهر من است، همشیره‌زاده من کاندیدا شده، برادر من هم او را تأیید کرده، ولی او رأی نیاورده، معلوم می‌شود انتخابات کاملاً آزاد بوده است (گفتگو با مسئول بنیاد شهید وقت، یادنامه شرق).

۳. از جمله مناظره نمایندگانی از حوزه علمیه و دانشگاه (طرفداران انقلاب) با رهبران و نمایندگان بزرگترین احزاب چپ در تاریخ ایران (منتقدان و مخالفان انقلاب اسلامی) در سال ۱۳۸۵.

هدایت باشد (۱۳۶۰/۳/۱۱).

انتقاد باید باشد، زیرا یک جامعه، تا انتقاد نشود، اصلاح نمی‌شود (۱۳۶۰/۳/۱۲).

رادیو، تلویزیون باید مستقل و آزاد باشند و همه‌گونه انتقاد را با کمال بی‌طرفی منتشر کنند تا باردیگر شاهد رادیو تلویزیون زمان شاه مخلوع نگردیم، مطبوعات باید مستقل و آزاد باشند؛ ولی توطئه نکنند (پیام نوروزی، ۱۳۵۹/۱/۱).

و انتقاد سالم مفید است... انتقاد صحیح از دولت مانع ندارد؛ ولی انتقام و تضعیف نباید باشد (۱۳۶۴/۶/۱۰).

و با توجه به سخنانی که انگشت اتهام را مستقیم و یا غیرمستقیم به کسانی نشانه رفته بود، به نهادها و رسانه‌ها توصیه می‌کنند که درباره کسانی که در جلسه‌ای حضور ندارند، سخنی علیه آنان گفته نشود و یا به صورتی به آنان حق دفاع داده شود؛ رادیو نباید همین‌طور بی‌توجه و بدون فهم یک مسائلی را بگوید و دیگران را مفتضح کند (بیانات با مقامات کشور، ۱۳۶۳/۵/۱۸).

اگر در مجلس به کسی حمله‌ای شد، به او اجازه داده شود که از خود دفاع کند و اگر قانوناً اشکالی در این عمل می‌بینید (که شخص در مجلس حاضر شود و از خود دفاع کند)، رادیو و تلویزیون و مطبوعات این وظیفه سنگین را به دوش کشند تا حق مظلومی ضایع نشود (پیام به مناسبت گشایش دومین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۳/۳/۷).

#### ۴-۹. مقابله با تنگ نظری‌ها

یک از آفات جوامع دینی، برداشت‌های سطحی و تنگ‌نظرانه از دین است که امام در موارد زیادی در برخورد با این نوع برداشتها که از نظر ایشان به کل نظام اسلامی آسیب وارد می‌آورد، نهیب می‌زدند که یکی از نهادهای کشور که مورد توجه و حساسیت رهبری انقلاب قرار داشت، سازمان گزینش (کارمندان و دانشجویان) بود که بعضاً برای انتخاب افراد دیدگاه‌های محدود خود را اعمال می‌کردند که در یکی از فرمان‌ها با صراحت کامل به این موضوع پرداخته‌اند:

اخیراً چند کتاب به عنوان سؤالات دینی و ایدئولوژی اسلامی را ملاحظه نمودم و بسیار متأسف شدم که برای گزینش عمومی

مطرح شده، است و آنها را میزان رد و قبولی افراد قرار داده‌اند که مشحون از سؤالات غیرمربوط به اسلام و دیانت و احیاناً مستهجن و اسف‌آور و انحرافی است و برای حیثیت اسلام و جمهوری اسلامی مضر است و به وزیر ارشاد توصیه نمودم که امثال این کتب را در اسرع وقت جمع‌آوری و فروش و خرید و نشر آنها را ممنوع شرعی اعلام نمایند (در فرمان به ستاد پیگیری تخلفات قضایی و اداری، ۱۳۶۱/۱۰/۱۵).

#### ۱۰-۴. ایجاد روحیه امید

برخلاف تئوری‌های رایج داخلی از قبیل حوالت تاریخی و آخرالزمانی، نظریه ظهور اسم خاص الهی، نظریه فرهنگ ایلی، غارتی، غنیمتی که بیش از آنکه امید و تحرک ایجاد نماید، روحیه یأس، ناکامی و افسردگی را اشاعه می‌دهند، حضرت امام در همه مواقع (مانند طلبگی، مرجعیت، تبعید و رهبری) خود یک انسان صددرصد امیدوار و با نشاط بود که این روحیه را در عموم ایرانیان و بسیاری از مسلمانان زنده کرد:

با بیرون راندن یأس و ناامیدی از خود و یافتن خویشتن خویش و فرهنگ عظیم خود به استقلال کامل دست یابیم (پیام به مناسبت آغاز سال تحصیلی، ۱۳۶۱/۷/۱).  
و به اهل فرهنگ:

نویسنده‌های ما، گویندگان ما، همه‌شان دنبال این باشند که به این ملت امید بدهند، مایوس نکنند این ملت را... اطمینان در ملت ایجاد کنند، استقلال روحی در ملت ایجاد کنند (۱۳۵۹/۱۰/۲۹).

#### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

از نظر امام خمینی:

- فرهنگ اساس ملت، ملیت و استقلال است و راه اصلاح مملکت از طریق فرهنگ و تحول فرهنگی می‌گذرد.

- آسیب‌های فرهنگی از طریق استعمار و نواستعمار خارجی و استبداد داخلی جهت وابستگی فرهنگی و اشاعه فرهنگ مادی و مصرفی عارض می‌شود و وابستگی فرهنگی، وابستگی در عرصه‌های دیگر را به دنبال می‌آورد.

- فرهنگ غنی، اصیل و مستقل اسلامی - ایرانی محور پایه

۱. در بیانیه پذیرش قطعنامه ۵۹۸ که چون سقراط حاضر شدند جام زهر را بنوشند تا تمامیت ارضی و وحدت کشور حفظ شود، نیز القای روحیه امید و پرهیز از یأس موج می‌زند.

تحول فرهنگی و فرهنگ انسان ساز است.

ویژگی‌های حوزه (تحول) فرهنگی از نظر امام:

فرهنگ اسلامی بر آگاهی بخشی، عدالت‌ورزی و در چارچوب قانون‌گرایی تأکید دارد و انسان‌هایی تربیت می‌کند که خدمتگزاران مردم (مستقل و در خدمت مردم کشور و نه وابسته به اجانب) و امین بیت‌المال (ملزم به رعایت عدالت) باشد.

روش‌شناسی تحول فرهنگی از دیدگاه امام:

- بازسازی فرهنگی به پشتکار و بردباری و خویش‌نمندی نیاز دارد، چرا که تحول فرهنگی تدریجی و در بلندمدت و حتی نسلی است.

- وحدت و یگانگی نهادها بویژه نهادهای فرهنگی و بالخصوص وحدت حوزه و دانشگاه، لازمه موفقیت است.

- تحول فرهنگی در بستر نظام قانونی نتیجه‌بخش است.

دانشگاهی که در خدمت تحول فرهنگی است می‌باید واجد

دو ویژگی باشد:

- نظریه‌پردازی؛

- یافتن ظرفیت لازم جهت اینکه کشور قطب علمی جهان

اسلام شود.

- مشارکت مردم در امور فرهنگی و آموزشی و تنها نظارت

دولت بر آنها یا همان که امروزه با عنوان خصوصی‌سازی و کوچک

شدن اندازه دولت بسیار مطرح و مورد توصیه است.

- پرهیز و منع اکید از دولتی‌شدن و شخص‌محوری در

عرصه‌های فرهنگی،

- بهره‌گیری از جاذبه‌ها برای پیشبرد امور فرهنگی (برخورد

نرم‌افزاری) به جای برخوردهای سرکوب‌گرانه (برخوردهای

سخت‌افزاری)، چرا که سرکوبی، خشونت و هتاک‌ی بویژه در امور

فرهنگی روش‌هایی است که اتفاقاً نتیجه معکوس می‌دهد.

- بیان افکار مختلف (و مخالف) و انتقاد، به شرطی که

نمایندگان افکار دیگر نیز بتوانند در پی پاسخ برآیند و از خود

دفاع کنند.

- پرهیز از هر نوع تنگ‌نظری و از جمله تنگ‌نظری‌های

دینی و ایدئولوژیک.

- تأکید بر بیرون‌راندن یأس و ناامیدی و ایجاد روحیه امید،

اطمینان و استقلال روحی به ملت از سوی اهل فرهنگ.

## ۶. پیشنهادات

۱-۶. کتب، مقالات، نشریات بسیاری درباره خط مشی‌ها،

رویه‌ها و روش‌های امام خمینی در کشور انتشار یافته که شاید، بیشتر از سوی همراهان انقلاب اسلامی نگاشته شده و نهایتاً - از جمله در این مقاله - به نکات مثبت پرداخته شده و این موارد، به بحث گذاشته نشده است. اکنون که سی‌امین سالگرد پیروزی انقلاب را پشت سر می‌گذاریم که نسل جدیدی پس از انقلاب به عرصه آمده‌اند و وقت آن رسیده است که:

اولاً برخی از اقدامات فرهنگی قابل نقد، به نقد منصفانه گذاشته شود که اگر این اتفاق از درون نهادهای انقلاب مانند شورای عالی انقلاب فرهنگی نجوشد، ممکن است در آینده با انتقادهای غیرمنصفانه از سوی افراد به صلاحیت (در این باب) مواجه شویم.

ثانیاً برخی از اسناد فرهنگی دوران قبل و اوایل انقلاب از سوی نهادهای رسمی منتشر شود تا زوایای دیگری از جنبه‌ها و تحولات فرهنگی آن دوران آشکار و براساس آن بررسی‌های لازم انجام شود، اقدامی که در بسیاری از کشورها معمول است که اسناد طبقه‌بندی شده پس از ۳۰، ۵۰ و یا ۱۰۰ سال منتشر می‌شود.

۲-۶. همچنین مطالعاتی میدانی (هرچند مدت یک بار) صورت گیرد که معلوم شود نسل جوان درباره رهبر فقید انقلاب و مشی فرهنگی ایشان چه می‌داند و چه نمی‌داند؟ به نظر می‌رسد نسل جدید از واقعیت‌های دوران انقلاب تا حدودی بی‌خبر است و این موضوع از سؤالات گاه و بیگاه آنها مشهود می‌باشد که بعضاً دچار برخی تصورات و قضاوت‌های نادرست‌اند.

نتیجه مطالعات، کاربرد زیادی برای رسانه‌ها به‌ویژه صدا و سیما خواهد داشت که در روش‌های معرفی انقلاب و رهبری آن تجدید نظر به عمل آورد.

۳-۶. در تحقیقی مستقل، تحولات فرهنگی پس از انقلاب بررسی شود و با ایده‌ها، خط‌مشی و روش‌های فرهنگی امام راحل به صورت تطبیقی مقایسه و موارد موفقیت‌آمیز و همچنین مشکلات و آسیب‌های فرهنگی ریشه‌یابی گردد.

۴. در حد امکان روش‌های فرهنگی امام خمینی (ره) بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد؛ بویژه با توجه به اثر مثبت مناظره‌های تلویزیونی در سال‌های ابتدایی پیروزی انقلاب، مناسب است

میزگردهایی در صدا و سیما به ارائه افکار مختلف، انتقادی و حتی مخالف اختصاص یابد.

#### فهرست منابع

۱. اسدی مقدم، کبری. (۱۳۷۴). دیدگاه‌های فرهنگی امام خمینی (س). مؤسسه نشر و تحقیقات ذکر، چاپ دوم.
  ۲. تراسبی، دیوید. (۱۳۸۵). اقتصاد و فرهنگ. ترجمه کاظم فرهادی، تهران: نشر نی، چاپ دوم.
  ۳. حقی، علی. (۱۳۸۴). روش‌شناسی علوم تجربی: پژوهش تطبیقی، تاریخی و انتقادی. تهران: نشر سعادت.
  ۴. خمینی، روح‌ا... (۱۳۶۵). شئون و اختیارات ولایت فقیه. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
  ۵. خمینی، روح‌ا... (۱۳۷۳). ولایت فقیه. مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی (ره)، چاپ اول.
  ۶. سینایی، وحید و غلامرضا ابراهیم آبادی. (۱۳۸۳). جهانی شدن و کثرت‌زدایی فرهنگی، مجلس و پژوهش، شماره ۴۳.
  ۷. صحیفه نور، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ دهه ۱۳۶۰.
  ۸. عزتی، مرتضی. (۱۳۸۶). فرهنگ و توسعه از دیدگاه امام خمینی، تهران: مرکز پژوهش‌های بنیادی، چاپ اول.
۹. مصطفوی، سیدمحمدحسن. (۱۳۸۷). بررسی اثر فرصت‌ها و تهدیدهای پدیده جهانی شدن بر فرهنگ در جامعه امروز ایران. ارائه شده در همایش ملی توسعه و تحول در فرهنگ و هنر.
۱۰. مقدمه‌ای بر آسیب‌شناسی فساد مالی در ایران. (۱۳۸۴). مباحثات اقتصادی و مدیریتی، به دبیری دکتر مسعود درخشان، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، شماره ۶.
۱۱. مؤسسه، تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س). (۱۳۷۴). آیین انقلاب اسلامی: گزیده‌ای از اندیشه‌ها و آراء امام خمینی (س)، چاپ دوم.
۱۲. نهج‌البلاغه امام علی (ع)، گردآوری سیدشرف رضی. ترجمه محمدمهدی فولادوند. تهران: انتشارات صائب، چاپ دوم، ۱۳۸۱.
۱۳. هانتینگتون، ساموئل. (۱۳۷۹). نقش قدرت، فرهنگ و بومی‌سازی سایر جوامع در افول قدرت غرب، نامه مفید، شماره ۶، بهار.
۱۴. وصیت‌نامه رهبر فقید انقلاب اسلامی (۱۳۶۸/۳/۱۵).
۱۵. یادنامه شرق (خرداد ۱۳۸۵) ویژه‌نامه امام خمینی، شماره ۱۳.
۱۶. کورزمن، چارلز (۱۳۸۶). مجموعه مقالات اسلام در مواجهه با جهانی شدن، به اهتمام علی محمدی، ترجمه امیر مازیار، مرکز ملی جهانی شدن، چاپ اول.

- [wikipedia.org/wiki/42](http://wikipedia.org/wiki/42)  
- [www.iscs.ir/oxford\\_university](http://www.iscs.ir/oxford_university)

